

چگونه محبوب خدا شویم؟

هادی حاجی‌زاده
مشاور شهردار مشهد

خیلی از کارهایی که انسان ها از طفولیت انجام می دهند، غیرارادی و فطری است. وقتی نوزاد متولد می شود، از مادر تغذیه می کند. بعد از چند ماهی لب به سخن می کشاید، پس از مدتی نیز راه می رود و کم کم از پدر و مادر و محیط خیلی چیزها یاد می گیرد. این بخشی از نیازهای جسمی ما انسان هاست که برای رفع آن از آغاز کودکی تلاش می کنیم. نیازهای روحی بسیاری نیز در فطرت انسان وجود دارد که او را به حرکت و تلاش برای رفع آن سوق می دهد. شاید گراف نباشد اگر بگوییم در دنیا مهم ترین دلیل حرکت انسان، برای رفع نیازهای جسمی و روحی اوست. خداوند در وجود آدمی، نیازهایی بیش از سایر موجودات زنده قرار داده است که به طور تکوینی، انسان را به حرکت درمی آورد؛ از جمله این نیازها می توان به احساس شخصیت و احترام و مقبولیت و محبوبیت اشاره کرد. حال سؤال اینجاست که خداوند حکیم چرا این نیاز را در وجود ما قرار داده است؟ چه حکمتی پشت این تدبیر است؟ چرا انسان دوست دارد محبوب و محترم باشد و دیگران از او به نیکی یاد کنند؟ این ها همه تدبیر الهی و با اهداف حکیمانه است.

سیر تکامل تدریجی محبوبیت

اگر کمی به سیر تکاملی محبت توجه کنیم، درمی یابیم که هرچه جلوتر می رویم، دوست داریم محبوب تر باشیم. یک دانش آموز تلاش می کند که نزد معلم یا مدیر مدرسه، از سایر دانش آموزان محبوب تر باشد. تصور کنید در سفر نوروزی رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) پس از سخنرانی معظم له، از دفتر ایشان با شما تماس بگیرند و بگویند که حضرت آقا می خواهند شخصا شما را ببینند. در آن لحظه چه احساسی دارید؟ شاید از شوق و خوشحالی، قالب تهی کنید. حال فکر کنید شخصی از جانب امام زمان (ارواحاله الفدا) شما را به محضر ایشان دعوت کند، آن زمان چه حالی خواهید داشت؟ حتما شیعیان و محبان حضرت، این لذت را با هیچ لذتی در عالم عوض نخواهند کرد. لقا...! چطور؟ نقطه کمال سعادت انسان، آن زمان محقق می شود. حال سؤال اینجاست که چرا خداوند متعال و حکیم در همان ابتدای مسیر، این نقطه کمال را به انسان نفهماند؟ پاسخ روشن است؛ چون سنت الهی در عالم بر تکامل تدریجی است و این وابسته به انتخاب تدریجی اوست.

محبوب و محب خدا بودن

در آیه ۵۴ سوره مائده می خوانیم؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کسی از شما، از آیین خود بازگردد [به خدا] زبانی نمی رساند [خداوند گروهی را می آورد که آن ها را دوست دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان، متواضع و در برابر کافران، سرسخت و نیرومندند؛ در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند...». در این آیه، به دو نکته درخور توجه اشاره شده است؛ یکی اینکه انسان مختار است که در دایره محبت خدا باشد یا از آن خارج شود که در هر صورت، هیچ زبانی به خدای صمد نمی رسد و نکته دوم اینکه برای محبوب بودن نزد خدای متعال، باید محب او بود. به قول باباطاهر: «چه خوش بی مهربانی هر دو سر بی / که یک سر مهربانی، در درسی بی // اگر معجون دل شوریده ای داشت / دل لیلی از آن شوریده تر بی //». محبت یک طرفه، نمی تواند وجود داشته باشد؛ زیرا هر محبتی، دارنده آن را دعوت می کند که عملا در راه خواسته های واقعی محبوب گام بردارد و در چنین حالتی به طور قطع محبوب نیز به او علاقه پیدا می کند. حال باید به این نکته توجه کرد که برای محبوبیت نزد خداوند، باید ابتدا محب او بود و این محبت جز با شناخت و معرفت...، میسر نمی شود. هرچه معرفت بیشتر شود و انسان به مراتب بالاتری از آن دست یابد، مراتب بیشتر و بالاتری از محبت خدا در دل او پدید می آید. اگر ما باور داشته باشیم که هرآنچه داریم، از خداست (له ما فی السموات والارض) بی تردید او را دوست خواهیم داشت.

شرط محبوب شدن نزد خداوند

«بگو اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خدا [نیز] شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد...». در آیه ۳۱ سوره آل عمران، خداوند متعال شرط محبت الهی را پیروی از پیامبر اکرم^(ص) بیان می کند، پس شرط اصلی محبوب خدا شدن، تبعیت از رسول مکرم اسلام^(ص) و طبیعتا اهل بیت^(ع) است. حال با کمی بررسی می توان دریافت که پیامبر گرامی، خود در طول حیات نورانی شان به چه امر مهمی اهتمام داشتند و از ما چه انتظاراتی دارند که باید سرلوحه امور زندگی خود قرار دهیم.

شاه کلید محبوبیت

پیامبران برای هدایت بشر آمده اند. رسول مهربانی آن چنان برای هدایت انسان هاحسرت می خوردند که خداوند به ایشان فرمود؛ «شاید می خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست بدهی، به خاطر اینکه آن ها ایمان نمی آورند». روزی پیامبر^(ص) امیرمؤمنان علی^(ع) را برای امری به سوی یمن فرستادند و هنگام بدرقه به ایشان فرمودند؛ «به خدا سوگند اگر خداوند کسی را به دست تو هدایت کند، برایت بهتر است از آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب می کند» و در نقلی دیگر می فرمایند؛ «ثواب و اجر این کار از کره زمینی که همه اش از طلا باشد و در راه خدا اتفاق شود، بیشتر است». هدایت یک انسان نه تنها موجب محبوبیت ما نزد خداوند مهربان و رسولش می شود، بلکه ما را در بالاترین درجه از محبوبیت نزد پروردگار و همنشین محبوب ترین بندگان خدا قرار می دهد. پیامبر اکرم^(ص) می فرمایند؛ «بایدند که هرکه یک نفر را هدایت و ارشاد کند و شریعت و احکام ما را به او بیاموزد، در جمع بهشتیان برین، با ما خواهد بود». در این دوره آخرالزمان، شاید بهترین کاری که می توانیم به وسیله آن به خداوند، مقرب و محبوب او شویم، همین نقش هدایتگری باشد؛ مقامی که طبق روایات، غبطه بسیاری از اولیای خدا و شهدا را به نبیال دارد..

بردار

و بخوان

لحظه به لحظه با امام حسین^(ع)

کتاب «پیشوای شهیدان»، اثر آیت... سیدرضا صدر و به اهتمام حجت الاسلام والمسلمین سید باقر خسرو شاهی، در ۴۴۴ صفحه تابه حال پانزده بار تجدید چاپ شده است.

در معرفی این اثر بر مخاطب، آمده است حادثه عاشورا نقطه عطف تاریخ شیعه است؛ حادثه ای که راهی نو و سرخ، پیش پای آزادگان گذاشت و مکتبی بنیان نهاد که غایتش شهادت بود و راهبرش، پیشوای شهیدان.

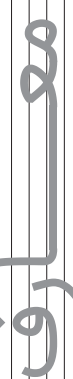
این دفتر، روایت لحظه به لحظه هجرت امام حسین^(ع) از مدینه به مکه و از عرفات به قربانگاه نینواس که در واقع روایت هجرت غریبانه از مدینه به خانه خداست. همچنین گزارش صحنه به صحنه شهادت امام و یارانش در روز عاشورا، گزارش هنگامه نبرد، غریو فتح و چگونگی عشق بازی که حسین^(ع) در آن، محاسن به خون خضاب کرد و سرانجام روایت روزهای حزن و اندوه اسارت است که تمام دردهای خونین عاشورا را در دل اهل بیت امام برای همیشه به یادگار گذارد و زخم های سیاه و ژرف اهات و توهین جاهلان، فاسقان و دنیادوستان را بر جگر سوخته شان بنهاد.

کتاب حاضر در سه بخش تألیف شده است؛ بخش نخست با عنوان «شهادت و جهاد» به بررسی شهادت و جهاد، راز شهادت و اعلام شهادت پرداخته و برای مردم مدینه و کوفه، عزم سفر را بیان کرده و دژخیم آتش افروز؛ پیشوای شهیدان و خاک سپاری شهیدان را به نگارش درآورده است. نویسنده در بخش دوم با عنوان «اسارت»، ضمن تبیین کاروان اسیران به سوی شام و در بارگاه یزید، خطابه زین العابدین^(ع)، آزادی اسیران و اظهار ندامت و پشیمانی را شرح داده و بر بارگشت کاروان و سوگواری و عزاداری، تأکید کرده است.

سومین و آخرین بخش از کتاب حاضر با «شهید و شهادت» نام دارد.

شهر
خبر
SHAHARNEWS.IR

۱۴

همسایه
خوب، گل
خوشبوستآنگونه که حضرت شمس الشموس^(ع)
گفته اند، همسایه داری کنید

چهارشنبه های امام رضایی

آمنه مستقیمی! مروری کوتاه بر آموزه های رضوی، کافی است تا نشانمان بدهد چطور می توانیم به سبک زندگی خود رنگ اسلامی بزنیم و به حیات طیبیه ای که قرآن برای مؤمنان در نظر دارد، نزدیک شویم؛ چرا که این آموزه ها به زیبایی و آسانی تمام نه تنها راه اصلاح و تعالی زندگی فردی بلکه نسخه آسایش و آرامش در حیات اجتماعی را هم به ما نشان می دهد؛ مثل توصیه درباره همسایه داری که خود از مهم ترین عوامل آرامش است. در چهارشنبه ای امام رضایی، دلایل و آثار همسایه داری را مرور می کنیم.

مهمترین حقوق همسایه

رسول خدا^(ص) درباره حق همسایه فرمودند؛ «حق همسایه بر دیگر همسایگان، آن است که اگر بیمار شد، به عیادتش بروی و اگر از دنیا رفت، در تشییع جنازه اش حاضر شوی و اگر از تو وام خواست، به او قرض بدهی. در شادی هایش، تهنیتش گویی و به وقت سوگ و مصیبت، تسلیت و تعزیتش گویی، ساختمان ت را از ساختمان او بلند تر نسازی تا جریان باد را بر او نبندی». ایشان در ادامه می فرمایند؛ «چون میوه ای خریدی [مقداری از آن را] به او هدیه کنی و اگر هدیه نکردی، مخفیانه به داخل خانه ببری و میوه را به دست فرزندت ندهی که با نشان دادن به کودک همسایه، ناراحتش کند. بایوی غذایت، همسایه خویش را آزار ندی؛ مگر آنکه مقداری از آن غذا را برای او هم بفرستی» (المستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۷).

صراحت امام رضا^(ع) درباره همسایه داری

از امام رضا^(ع) روایت است که فرمودند؛ «از ما نیست فردی که همسایه اش از بدی های او در امان نباشد» (عیون اخبار الرضا^(ع)؛ ج ۲، ص ۲۴، ح ۳). همین یک روایت از امام رثوف^(ع) کافی است تا ضرورت و اهمیت همسایه داری در اسلام آشکار شود؛ چنان که قرآن کریم در کنار دستور به پرستش پروردگار و احسان به پدر و مادر و بستگان و خویشاوندان، به نیکی و احسان در حق همسایگان توصیه کرده، می فرماید؛ «... به پدر و مادر و همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و همسایه نزدیک و همسایه دور و دوست و هم نشین و واماندگان در سفر نیکی کنید» (نساء، ۳۶).

دفع بلا بواسطه همسایگان مؤمن

بر همسایه داری به قدری در آموزه های دینی تأکید شده است که از آن به نشانه نیکوکاری تعبیر می شود. از پیامبر اکرم^(ص) در این باره نقل است؛ «هرگاه همسایگانت، هنگام ثنا و سخن گفتن درباره تو، تو را نیکوکار بدانند، پس تو نیکوکاری و اگر همسایگانت، بدکارت شمارند، تو بدکار هستی». ایشان همچنین همسایگان مؤمن و نیکو صفت را مایه دفع بلا دانسته، می فرمایند؛ «به راستی که خداوند بلند مرتبه به واسطه مسلمان درستکار، بلا را از اهل صد خانه همسایه اش دور می کند».

زکات رفاه

امیرالمؤمنین امام علی^(ع) نیز در بیان ویژگی شیعیان خود می فرمایند؛ «آن ها مایه برکت همسایگان خود هستند». و نیکی با همسایگان را زکات رفاه و آسایش معرفی می کنند. از جلوه های این نیکی، توجه به نیازهای مادی و معنوی همسایه است. پیامبر اکرم^(ص) در این باره می فرمایند؛ «به من ایمان نیاورده است کسی که سیر بخوابد و همسایه او شکمش گرسنه باشد و همچنین به من ایمان نیاورده است کسی که شب را به روز آورد و پوشیده باشد، ولی همسایه اش بدون لباس باشد» (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۹).

عامل آبادی شهرها و عمر طولانی

امام رضا^(ع) هم برای همسایه داری و رفتار نیکو با همسایه ها، آثاری را برمی شمارند و می فرمایند؛ «دیدار خویشاوندان و نیکو همسایه داری، باعث افزایش مال است» (صحیفه الرضا^(ع)، ص ۸۵). ایشان همچنین همسایه خوب را به گلی خوشبو تشبیه کرده اند که با رایحه خود، جان آدمی را معطر می سازد، روح و روان را صفا می دهد و طراوت زندگی را افزون می کند. این سخنان حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) که ما ایشان را به امام رثوف می شناسیم، به خوبی از اهمیت همسایه داری و تأثیر آن در زندگی پرده برمی دارد.

راه آسان افزایش مال

همسایه داری آثار بی نظیری هم دارد. روابط پیوسته و مداوم همسایگان اگر با تعاملات شایسته و مناسب آن ها با یکدیگر و رعایت حقوق و بایسته های همسایگی توأم باشد، می تواند با نزدیک کردن دل ها و ایجاد انس و الفت، یک زندگی شادمان و فرح بخش را برای اجتماع به ارمغان آورد. از این رو رسول خدا^(ص) خوب همسایه داری کردن را سبب آبادانی شهرها و درازی عمرها دانسته اند (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۱۲۸).

شرط ایمان!

البته مثل دیگر توصیه ها و آداب اخلاق زندگی اجتماعی، این طور نیست که قرآن و اهل بیت^(ع)، ما را به نیکی توصیه کرده باشند اما راه را نشانمان نداده باشند. همسایه داری هم از این مهم مستثنا نیست. لذا احسان و نیکی، تفقد و دلجوایی، پرهیز از آزار و اذیت، در فکر همسایه بودن و صبوری مقابل آزار همسایه، از راه های این ادب اجتماعی است. پیامبر^(ص) فرمودند؛ «ایمان ندارد آن که همسایه اش زرش در امان نباشد» (مکارم الاخلاق، ص ۱۱۲۶).

روشنا

هرکه مال سرقت و غصبی را شناخت، دیگر حق خرید آن را ندارد.
(تهذیب، ج ۷، ص ۱۳۱).

امام جعفر صادق^(ع)؛
لَا یُصْلِحُ شَرَاءَ الشَّرِیْقَةِ وَالْخِیَانَةُ إِذَا عُرِفَتْ.

گفت وگو با تو در هر حال و هوایی

نخستین نیایش های نقل شده از کیست؟

جز اینکه تمام آنچه بر او از نیکی و بدی می گذرد، در شب نیمه شعبان برایش تقسیم می شود تا آخر سال او. هر بنده ای که آن شب را به عبادت احیا کند و دعای حضرت خضر را بخواند، دعای او مستجاب می شود. وقتی که حضرت به منزل خود رفتند، شب هنگام به خدمت آن بزرگوار رسیدم. حضرت فرمودند برای چه کاری آمدی؟ عرض کردم به طلب دعای خضر آمده ام. امیرالمؤمنین^(ع) فرمودند؛ «ای کمیل! اگر این دعا را حفظ کردی، هر شب جمعه یا در هر ماه یا سالی یک بار یا لا اقل در تمام عمر یک مرتبه بخوان تا امور تو کفایت شود. خداوند تو را یاری می کند؛ روزی تو زیاد می شود و البته از مغفرت هم محروم نخواهی شد. ای کمیل! مدتی که تو با ما هم نشین هستی، موجب شده است که تو را به چنین نعمت و کرامتی سرفراز گردانم. ای کمیل! بنویس؛ اللهم إني أشألك بِرَحْمَتِكَ...» (الإقبال الاعمال، ج ۳، ص ۳۲۱).

جایگاهی که قرن ها حفظ شده است و بر مشتاقان آن هر روز افزوده می شود. این ادعیه که گاه مانند صحیفه، شکل مکتوب پیدا کرده اند، از نخستین منابع شیعی نامیده می شوند، با این حال بنا بر گزارش سید بن طاووس در الاقبال نامه، مثلا درباره املاي دعای کمیل از سوی امام علی^(ع) می توان گفت سابقه تاریخی نگارش های دعایی شیعه به نیمه نخست قرن اول هجری بازمی گردد. برای نمونه به دعای کمیل می پردازیم.

بنا بر گزارش سید بن طاووس، کمیل بن زیاد می گوید؛ روزی با مولای خود، امام علی^(ع) در مسجد بصره نشسته بودم و جمعی از اصحاب حضرت نیز حضور داشتند. از حضرت پرسیدند معنای این آیه که خدا می فرماید؛ «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ كَبِيرٍ» (دخان ۴۱) چیست؟ حضرت فرمودند؛ آن شب نیمه شعبان است. سوگند به کسی که جان علی در دست قدرت اوست، هیچ بنده ای نیست

همیشه ذاکری ابشر از آغاز تا کنون همواره در رنج و تنگنا یا در شادی و مسرت یا حتی در مقام حیرت به گفت وگو و نجوا با دیگری پرداخته است. جدای از این بحث که گفت وگو با کیست و دیگری کیست، چه از قسم بشر باشد طبیعت و یا حتی درگاه مقدس پروردگار باشد، همه انسان ها نیاز به راز و نیاز و مناجات را در خود احساس می کنند و در زمان هایی آن را انجام داده اند در دین ما مناجات و راز و نیاز با خداوند از زمان حضرت آدم سابقه دارد. به دلیل جایگاه دعا در دین ما و همچنین به علت اتصال داشتن آن ها به اهل بیت^(ع)، ادعیه و نیایش ها جایگاه ویژه ای دارند. به غیر از آنچه در قرآن کریم در این باب آمده است از زبان پیامبر اکرم^(ص) و ائمه اطهار نیز برای ما توصیه های زیادی در این مورد به جای مانده است. این ادعیه و نیایش ها در بین مسلمانان از علما تا مردم کوچه و خیابان جایگاه ویژه ای پیدا کرده اند؛

شنیدنی